

۱ - هدف و ارزش علم:

أول العلم معرفة التجار وآخر العلم

تفویض الأمر إليه

(درجه اول علم و اعلى مرتبه دانش، معرفت الله میباشد و مرتبه دوم علم تفویض امر به الله است).

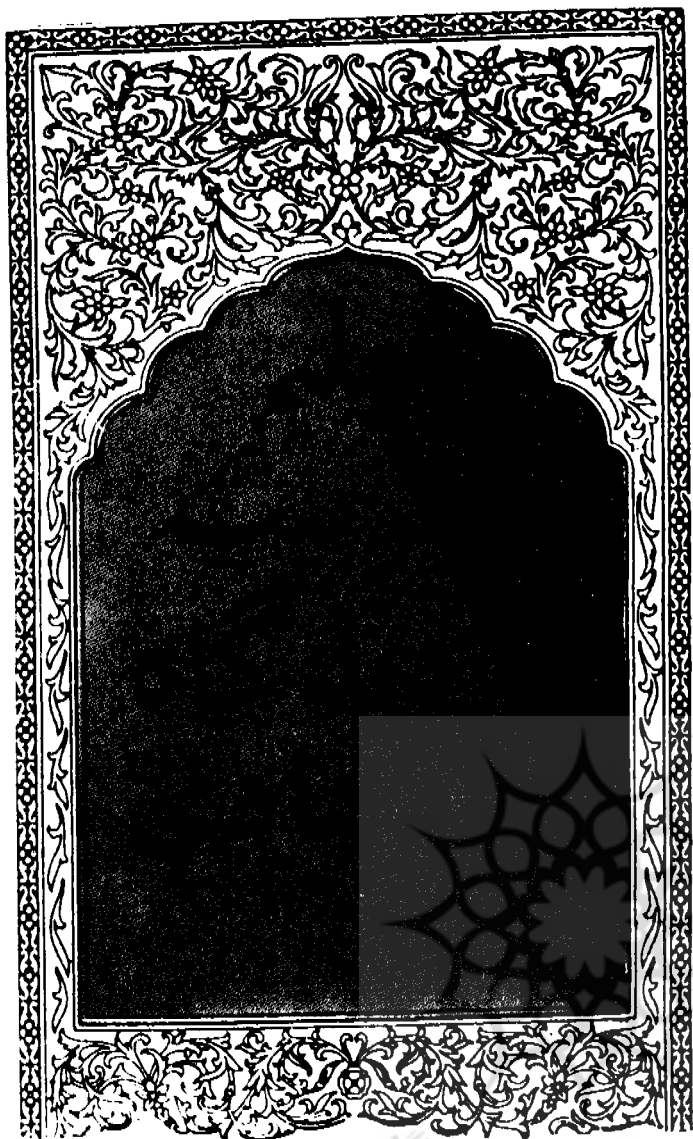
علوم در مشربهای مختلف فکری و نظامهای اجتماعی و سیاسی از اهداف و ارزشهای گوناگونی برخوردار بوده است.

عدهای بدنبال اهداف اقتصادی و عدهای دیگر برای کسب سلطه سیاسی و قدرت فرمانروائی، عدهای برای کسب مقام و منزلت اجتماعی بوده اند. اخیراً در اروپا و نظامهای کمونیستی در باب هدف علم شعار علم برای علم مطرح گردیده است.

تاریخ بشری در این رابطه شاهد بوده است که علم وقتی در اختیار انسانهای پست و رذل قرار گرفته جنایات و وحشی گریهایشان صد چندان گردیده است. و بخاطر اهمیت همین مطلب است که معصوم علیه السلام فرمودند که «اگر عالمی بفساد کشیده شود عالمی را بفساد می کشاند» امام هادی (ع) وقتی از اهداف علم صحبت می کنند میفرمایند.

درجه اول علم و اعلى مرتبه دانش معرفت الله می باشد و آن شناخت مبتنی بر عقل، دل، ایمان و فطرت پاک می باشد و مرتبه دوم علم تفویض امر به الله است و آن تفویض امری است از روی علم صحیح و عرفان کامل بحضرت واجب الوجود و اگر کسی خداوند را در مرتبه اول با جمیع صفات و شئونش شناخت لاجرم بجز او چیزی نخواهد دید و بسر کسی جز او پناهی نخواهد برد.

و در همین معناست که امام هادی



علیرضا محمودنیا

زگواره تا گور دانش بجوی
و علاوه بر این کسب علم و دانش را
برای هر مسلمانی واجب می داند و
در این زمینه فرموده است.

طلب العلم فریضة علی کل مسلم
این سخن ها محدود به زمان،
مکان، قوم یا نژاد خاصی نمی باشد و
وظیفه ای است که بر عهده هر مسلمان
می باشد.

علاوه بر تأکید بسیاری که بر کسب
علم و دانش شده است به آموزش و
تربیت آن نیز عنایات فراوانی شده

علیه السلام میفرماید: علم انسانی
افوض امری الی الله ان الله بصیر
بالعباد

۲ - استمرار و تداوم تربیت:

یکی از ویژگیهای اساسی تربیت
اسلامی استمرار و تداوم امر تعلیم و
تربیت در تمامی مراحل زندگی
می باشد.

همانطور که پیامبر اکرم (ص)
فرمودند.

اطلبوا العلم من المهد الی اللحد

هنانچه مولای متقیان امام علی (ع) میفرماید (هرکسی بمن چیزی یاد بدهد مرا تا آخر عمر بنده خود ساخته است) و اینکه زکات علم را در نشر و انتشار آن بیان فرموده اند خود مؤید اهمیت امر تعلیم و تعلم می باشد.

انبیاء، ائمه معصومین و اولیاء الله بنا بر ارزش والای این امر مهم است که زندگی خود را صرف تربیت انسانها نموده اند و از هیچ تلاش تربیتی برای ساختن انسانها فروگذار نکرده اند. تا آنجا که:

حتی در بستر مرگ و در آخرین لحظات عمرشان نیز ب فکر هدایت و تربیت هستند که خود گویای این حقیقت است (وصیتنامه امام علی (ع)).

لحظه به لحظه زندگی امام هادی (ع) و لحظات پایانی عمر شریف ایشان، خود بیانگر این تلاش تربیتی است، که در اینجا به بیان مختصری از آنچه گذشت است می پردازیم.

امام در بستر بیماری افتاده است فرزندان مراقب اوضاع حال پدر هستند. در حالیکه آنحضرت آخرین لحظات ایام زندگی خویش را طی می کند. یکی از علاقه مندان و یاران آن حضرت بنام «ابودعامه» بعنوان عیادت وارد محضر امام میشود پس از احوال پرسی هنگامی که می خواهد اجازه مرخصی بگیرد امام می فرماید:

(چون حقی از شما برعهده ما است آیا میخواهی با گفتن حدیثی آنرا تلافی نموده و ترا مسرور سازم؟)

(ابودعامه) عرض می کند ای فرزند رسول خدا اگر حال شما مساعدت کند چقدر نیازمند چنین حدیثی هستم و مرا مورد منت و احسان خود قرار دهید.

امام هادی (ع) فرمودند:

پدرم محمد بن علی از پدرش علی بن موسی الرضا او هم از پدرش موسی او هم از پدرش جعفر او هم از پدرش محمد باقر او هم از پدرش علی بن الحسین او هم از پدرش حسین بن علی او هم از پدرش علی بن ابیطالب او هم از رسول خدا (ص) نقل نمود که روزی رسول خدا بمن فرمود بنویس گفتم چه بنویسیم؟ فرمود بنویس که رسول خدا (ص) فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْإِيمَانُ مَا وَقَرَهُ الْقُلُوبُ وَصَدَّقْتَهُ الْأَعْمَالُ
وَالْإِسْلَامُ مَا جَرَى بِهِ اللِّسَانُ وَحَلَّتْ بِهِ
الْمُنَاكِحَةُ

ایمان چیزی است که دلها آنرا با خود ثابت نگه می دارند و اعمال و کردارهای انسان وجود آن را در دل تصدیق می کنند ولی اسلام آنست که بر زبان جاری میشود و موجب حلال بودن نکاح و ازدواج میگردد.

ابودعامه گفت: نمی دانم به خدا قسم زیبایی حدیث بیشتر است یا زیبایی سند آن؟ امام فرمود این حدیث در صحیفه ای که با املاء رسول خدا (ص) و جدم علی (ع) تدوین شده ثبت است و ما خاندان آن صحیفه را از همدیگر به ارث میبریم.^۲

۳ - کار و تلاش امام:

علی بن حمزه بیان می دارد که روزی ابوالحسن امام هادی (ع) را مشاهده کردم که در زمین خود با بیلچه مشغول تلاش و کوشش است، امام تلاشگر و کوشا قصدش آن بود که تا با عرق جبین خود قرص نان جوینی را به دست آورد.

راوی می گوید پیش رفتم عرض نمودم فدایت گردم مردان کارگر کجایند که شما بدین زحمت افتاده اید؟

* امام هادی (ع) فرموده

است:

الْعُجْبُ صَارَفٌ عَنْ ظَلَبِ الْعِلْمِ
خودپسندی انسان را از یاد گرفتن باز میدارد.

امام فرمود رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و تمامی آباء و اجداد ما کار میکردند و با دسترنج خود زندگی مینمودند.^۳

۴ - مرأ و ستیزه جوئی، روش غلط تربیتی:

امام هادی (ع) فرموده اند:

الْمِرَاءُ يُفْسِدُ الصَّدَاقَةَ الْقَدِيمَةَ وَيُحْلِلُ
الْمُقَدَّةَ الْوَبِيْقَةَ وَأَقْلُ مَا فِيهِ أَنْ تَكُونَ فِيهِ
الْمَغَالِبَةُ، وَالْمَغَالِبَةُ أَسْ أَسْبَابِ
الْقَطِيعَةِ...^۴

(بحشهای خصومت آمیز، دوستیهای کهن را از میان میبرد و پیوندهای محکم را میگشاید کمترین ضرر این بحثها آنست که هر یک از دو طرف میخواهد بر دیگری غلبه کند و بر اوتفوق و برتری یابد و این خود مایه اصلی جدائی و پراکندگی است.

پرسشهایی که متربی یا متربی مطرح می سازد نباید بمنظور و انمود ساختن عجز و ناتوانی و یا طعنه زدن به جنبه های علمی طرف باشد. بلکه باید پرسش شاگرد از معلم بمنظور فراگیری و کسب اطلاع و سؤال معلم از شاگرد به منظور ارشاد متربی به حقیقت و واقعیت باشد. یعنی طرفین باید از سؤالهای خود، ارشاد و راهنمایی و یا استرشاد و راه یابی را در نظر گیرند با چنین شرائطی هدف عالی تعلیم و تربیت، رشد خود را آغاز نموده و نهال بارور می گردد.

اما اگر هدف پرشش گر، عبارت از خودنمائی و ستیزه‌جویی باشد و بخواهد از راه سؤال پیچ کردن، غلبه و پیروزی خویش را به رخ دیگران بکشد این رویه و چنین هدف‌گیری‌ها در جان و دل انسان نیروهای پست و فرومایه و عادات پلیدی را بشمر می‌رساند، عاداتی که خشم خدا را برمی‌انگیزد.

علاوه بر اینکه مرآه وجدال موجب فرومایگی روح و جلب خشم الهی می‌گردد، مفاسد و معاصی دیگری را برای انسان به ارمغان می‌آورد که این مفاسد عبارتند از:

آزار رساندن به طرف، بیسواد قلمداد کردن او، تعریض و کنایه به او، خودستائی، تزکیه نفس و امثال آنها که از گناهان گرانبار و از عیوبی بشمار می‌آیند که درست و راه و رسم دین مقدس اسلام بسختی از آنها نهی شده است.

احادیثی درباره مرآه و ستیزه‌جویی:

از پیامبر اکرم (ص):

لَا تُمَارِ أَخَاكَ وَلَا تُمَارِخَهُ وَلَا تُعِدَّهُ مَوْعِدًا فَتُخْلِفَهُ.

با برادر ایمانی خود بجدال و ستیزه‌برنجیز و با او مزاح و شوخی مکن و هرگز وعده‌ای که به آن وفا نمی‌کنی با او در میان نگذار.

ذَرُوا الْمِرَاءَ فَإِنَّهُ لَا تَفْهَمُ حِكْمَتَهُ وَلَا تُؤْمِنُ فِتْنَتَهُ

جدال و ستیزه‌جویی را کنار بگذار. زیرا نمیتوانی بوسیله آن هیچگونه حکمت و ژرف‌اندیشی را برای خویش فراهم سازی و نیز نمیتوانی از فتنه و آشوب آن در امان باشی.^۵

۵ - عجب، بازدارنده از علم:

✽ انبیاء، ائمه معصومین و اولیاء الله بنابر ارزش والای این امر مهم است که زندگی خود را صرف تربیت انسانها نموده‌اند و از هیچ تلاش تربیتی برای ساختن انسانها فروگذار نکرده‌اند. تا آنجا که حتی در بستر مرگ و در آخرین لحظات عمرشان نیز بفرکر هدایت و تربیت بودند که وصیتنامه امام علی(ع) خود گویای این حقیقت است.

امام هادی(ع) در این باب فرموده است:

الْمُعْجِبُ صَارِفٌ عَنِ ظَلَبِ الْعِلْمِ
خودپسندی انسان را از یاد گرفتن باز می‌دارد.

از مسائل مهمی که در تعلیم و تربیت مطرح است موانعی است که در سر راه هر دانشجو در کسب علم وجود دارد این عوامل شکل‌های مختلف مادی و غیرمادی و اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و عبادی و... مطرح می‌گردد.

عجب و خودپسندی را که امام بعنوان عامل بازدارنده از یادگیری بیان می‌فرماید از مسائل اساسی اخلاقی می‌باشد که در باب تربیت اخلاقی و ساختن انسانها به آن توجه زیادی گردیده است.

عجب، خودپسندی، از خود راضی بودن، بخود بالیدن، خودبزرگ‌بینی از حالات بسیار شنیع و مورد مذمت در شریعت اسلام می‌باشد. چنانچه امام صادق در این رابطه می‌فرماید:

من دخله العجب هلك^۶

کسیکه خود پسندی براو وارد شود هلاک میشود.

چون شخص خودخواه هرگز نمیتواند مفاسد خود را اصلاح سازد زیرا در خود فساد و اشکال وضعیفی نمی‌بیند و خودبینی حجابی می‌گردد که جلو دیده‌ی عقل او گرفته شود و در نتیجه نتواند عیوب خود را دریابد تا آنرا اصلاح نماید. چنانچه مولای متقیان می‌فرماید:

العجب یفسد العقل^۸

عُجْبِ انْدِيشَةِ وَتَعْقِلِ رَابِئِ فَسَادِ مِی‌کشاند.

باتوجه باینکه عُجْبِ دارای درجاتی است ولی بطور کلی منشاء عُجْبِ در انسان نوعاً نادانی است.

فردمُعْجِبِ، خودو خدا را بدرستی نشناخته است و به فقر ذاتی خود و عظمت خدا، پی نبرده است و از اینجهت هست که به کمالات مادی و بدنی و روحی خود و به رای و فکر و کارهای حسنه خود می‌بالد.

غافل از اینکه کمالات روحی و نعمتهای مادی از فضل و جانب خدا

است و فکر صحیح و رای صواب
و کارهای نیکو نیز همه بتوفیق و تائید
خداوند است.

۶ - امر به معروف و نهی از منکر
روش تربیتی:

ابن جوزی، عالم بزرگ اهل سنت
می نویسد:

یکبار از امام هادی (ع) نزد متوکل
سعایت کردند که در منزل او اسلحه و
نوشته ها و اشیاء دیگری است که از
شیعیان او در قم به او رسیده و او عازم
تهاجم بردولت است.

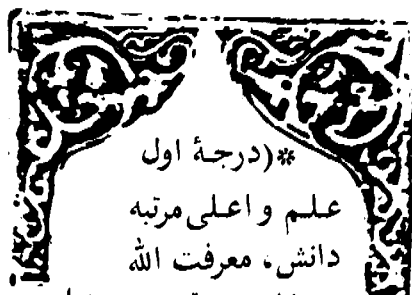
متوکل گروهی را به منزل آن
گرامی فرستاد و آنان شبانه به خانه ی
امام هجوم بردند ولی چیزی بدست
نیآوردند، آنگاه امام را در اطاقی تنها
دیدند که در بروی خود بسته و جامه بی
پشمین برتن دارد و بر زمینی شن فرش
نشسته و به عبادت خداوند و تلاوت
قرآن مشغول است.

امام را به همان حال نزد متوکل
بردند و به او گفتند در خانه اش چیزی
نیافتیم و او را روبه قبله دیدیم که قرآن
می خواند.

متوکل چون امام را دید، عظمت و
هیبت امام او را فرا گرفت و بی اختیار
او را احترام کرد و در کنار خود نشاند،
و جام شرابی را که در دست داشت به
آن حضرت تعارف کرد. امام سوگند
یاد کرد که گوشت و خون من با چنین
چیزی آمیخته نشده است، مرا
معاف دار متوکل دست برداشت و
گفت پس شعری بخوان!

امام فرمود: من شعر کم از بردارم.
متوکل گفت: باید بخوانی و امام این
اشعار را خواند:

بَاثُوا عَلَيَّ قَلِيلَ الْأَجْبَالِ تُحْرِسُهُمْ
غَلَبَ الرِّجَالِ فَمَا أَعْتَنَهُمُ الْقَلِيلُ



* (درجه اول

علم و اعلی مرتبه
دانش، معرفت الله
میباشد و مرتبه دوم علم
تفویض امر به الله است).

وَأَسْتَنْزِلُوا بَعْدَ عِزِّهِ عَنِ مَعَاذِهِمْ
فَأَوْدَعُوا خَفْرًا بَابِئْسَ مَا نَزَّلُوا
نَادَاهُمْ صَارِخٌ مِنْ تَعْدِ دَفِينِهِمْ
أَيْنَ الْأَسَاوِرُ وَالْتِيحَانُ وَالْجَلَلُ
أَيْنَ الْوُجُوهَ الَّتِي كَانَتْ مُتَعَمِّمَةً
مِنْ دُونِهَا تُضْرَبُ الْأَسَاوِرُ وَالْكِلْبُ
فَأَفْصَحَ الْقَبْرِ عَنْهُمْ حِينَ سَأَلْتَهُمْ
بَلْكَ الْوُجُوهَ عَلَيْهَا لَدَوْدُ تَنْتَقِيلُ

برقله های کوهسارها شب را به
روز آوردند و مردان نیرومند از آنان
پاسداری می کردند ولی قله ها نتوانستند
آنان را از «خطر مرگ» برهانند.

پس از عزت از جایگاههای امن به
پائین کشیده شدند و در
گودالها (ی گور) جایشان دادند، (گور)
چه منزل و آرامگاه ناپسندی است.

پس از آنکه به خاک سپرده شدند
فریاد گری فریاد برآورد، کجاست آن
دست بندها و تاجها و لباسهای فاخر؟
کجاست آن چهره های به ناز و
نعمت پرورده که به احترامشان پرده ها
می آویختند؟ (پرده و بارگاه و دربان
داشتند)

گور به جای ایشان پاسخ داد. بر آن
چهره ها هم اکنون کرهما راه میروند.

تأثیر کلام امام هادی (ع) چندان
بود که متوکل به سختی گریست
چنانکه ریشش ترشد و دیگر مجلسیان
نیز گریستند و متوکل دستور داد بساط

میگساری را جمع کنند و چهار هزار
درهم به امام تقدیم کرد و آن گرامی را
با احترام به منزل باز گرداند.

۷ - دُعا عامل تربیت از دیدگاه
امام هادی (ع)

یکی از روشهای تربیتی مؤثر و
انسان ساز اسلام و طریقت ائمه هدی
دعا می باشد که در ایجاد ملکات فاضله
و کمال معنوی و بریدن از مادیات،
دنیا و هوای نفس مؤثرترین وسیله
می باشد.

دعای کمیل، دعای ندبه، دعای
صبح، و سائر ادعیه و زندگی امام
زین العابدین امام سجاد (ع) تجسم
عینی این مطلب و مطلوب می باشد.
(قطع نظر از اجر و پاداشی که برای دعا

هست و قطع نظر از اثر استجابتی که بر
دعا مترتب است. دعا اگر از حد لقلقه
زبان بگذرد و دل با زبان هماهنگی
کند و روح انسان را باهتر از درآورد،
یک روحانیت بسیار عالی دارد. مثل
اینست که انسان خود را غرق در نور
می بیند، شرافت گوهر انسانیت را
در آنوقت احساس می کند. آنوقت خوب
درک می کند که در سایر اوقات که
چیزهای کوچک او را بخود مشغول
داشته بود و او را آزار میداد چقدر پست
و ساقط و سافل بوده. انسان وقتی که از
غیر خدا چیزی میخواهد احساس مذلت
می کند و وقتی که از خدا میخواهد
احساس عزت، لهذا دعا هم طلب
است و هم مطلوب، هم وسیله است
و هم غایت. هم مقدمه است و هم
نتیجه، اولیاء خدا هیچ چیزی را باندازه
دعا خوش نداشتند، همه خواهش ها را
آرزوهای دل خود را با محبوب واقعی
در میان می گذاشتند و بیش از آن اندازه
که بمطلوبهای خود اهمیت میداند

بخود طلب و راز و نیاز اهمیت می دادند.^{۱۰}

(و مولای مکرم ما دهمین خورشید آسمان امامت ابوالحسن هادی (ع) بر ما شیعیان منت نهاده و انعام فرموده است که درگفتار شگرف و ژرف خویش در زیارتی بنام «زیارت جامعه» تکاور سخن را در مرغزاری از معارف بلند الهی به جولان درآورده و از دریای دانش خود بارانی درو گهر بر تارک دوستان راستین سلسله عزیز امامت نثار نموده، و درخور عقول ما و نه سزوار حقیقت امام، گوشه هائی از طوائف بوستان خدا را حکایت فرموده است، و جان ما فدای خاک اوباد که ما خاکیان را به شعاع فروزان سخن خویش با آسمان عظمت و جلالت الهی آشنا ساخته و ما تشنگان زلال ولای آن گرامیان را به سرچشمه های بهشتی کوثر خدا رهنمون گشته است.

آری، امام عزیز به خواهش یکی از دوستان و شیعیان برای زیارت امامان معصوم (ع) کلماتی را تعلیم فرموده اند، و برخی از بزرگان علماء این زیارت را بهترین زیارت جامعه دانسته اند و بزرگمردانی چون (مرحوم شیخ صدوق) متوفای ۳۸۱ هجری آنرا در کتاب «من لایحضره الفقیه» و کتاب «عیون اخبار الرضا» و شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هجری در کتاب «تهذیب الاحکام» نقل کرده اند.^{۱۱}

۸ - تربیت اخلاقی از نظر امام هادی (ع)

یکی از مهمترین ابعاد وجودی

انسان بعد اخلاقی او می باشد.

چنانچه از آیات قرآن کریم و احادیث چنین برمی آید که یکی از اهداف مهم انبیاء مخصوصاً خاتم آنان محمد رسول الله (ص) تهذیب اخلاق و تزکیه ارواح بشری از پلیدیها و گناهان بوده است.

یعنی از طریق بیان دستورات و قوانین زندگی ساز و اخلاقی و درسایه بکار بستن آنان از طریق مردم سعادت و خوشبختی را به جامعه های انسانی به ارمغان آورده اند.

چنانکه پیامبر اکرم (ص) در حدیثی معروف فرموده است.

إِنَّمَا بُنِيتُ لِاتِّمَمِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

همانا برای تکمیل اخلاق ستوده مبعوث گردیدم.

و نیز از آن حضرت است که فرمود:
علیکم بمکارم الاخلاق فان الله عزوجل بعثنی بها.

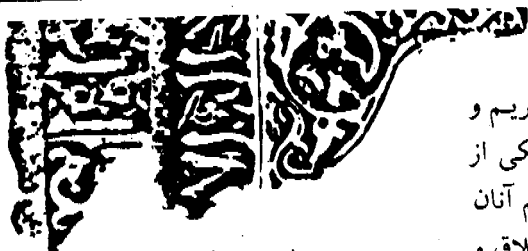
بر شما اخلاق ستوده لازم است همانا که خداوند عزوجل مرا بدانها مبعوث فرمود. از امیرالمؤمنین (ع):

ایها الناس ان الله تبارک و تعالی لما خلق خلقه اراد ان یكونوا علی آداب رفیعة و اخلاق شریفه نعلم انهم لم یكونوا کذلک الا بان یعرفهم مالهم و ما علیهم و التعریف لایکون الا بالامر و النهی.^{۱۲}

از علی (ع) که بر منبر در خطبه ای فرمود:

ای مردم!

خداوند تبارک و تعالی چون خلق را آفرید خواست که آنان بر آداب رفیعه و اخلاق شریفه باشند و نیز میدانست که ممکن نیست آنان چنین شوند، مگر اینکه آن ذات مقدس، خود آنچه را که به سود و زیان آنان است تعریف و آگاهشان فرماید و تعریف خوبی ها



و بدی ها جزیه امر و نهی (بوسیله انبیاء و ائمه معصومین) نمی باشد.

با توجه به احادیث فوق و اهمیت اخلاق و بیان آنها از طریق انبیاء و ائمه معصومین به احادیثی اخلاقی از امام هادی (ع) می پردازیم که انشاء الله چراغ هدایت راهمان باشد.

احادیث اخلاقی و تربیتی از امام دهم شیعیان امام هادی (ع)

إِنَّ الْمُحِقَّ السَّفِيهَةَ يَكَادُ أَنْ يُظْلِمَ نُوْرَ حَقِّهِ بِسَفَهِهِ

کسی که حق با اوست ولی سفیهانه عمل کند ممکن است نور حقش را به جهت عمل سفیهانه اش خاموش سازد.

مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ

کسی که خود پسند باشد ناراضیان او بسیار خواهند بود.

الْبُخْلُ أَدْمُ الْأَخْلَاقِ نكوهیده ترین خویها بخل و تنگ چشمی است.

أَشَدُّ النَّاسِ تَوَاضَعًا أَعْظَمُهُمْ جَلْبًا هر که بردبارتر از دیگران باشد فروتنی او بیش از دیگران است.

الْحَسَدُ مَا جِي الْحَسَنَاتِ حسد نیکی ها را محو و نابود می کند.

الْعِنَابُ مِفْتَاحُ الثَّقَالِ وَالْإِنَابُ خَيْرٌ مِنَ الْجَفْدِ

نکوهش کلید سخنان نامطبوع است و در عین حال از کینه دردل گرفتن بهتر است.

انجمن اولیاء مدرسه بوده که با همکاری انجمن اولیاء و مربیان مرکز اقدام به برگزاری جلسه خواهند نمود. در ضمن در این جلسه از مقام ولای شهدا بخصوص معلمین شهید نیز تجلیل خواهد شد.

برگزاری نمایشگاه هنری: از آنجائیکه مطابق دستورالعمل برگزاری مسابقات ۸ گانه دانش آموزی سراسر کشور آثار هنری دانش آموزان شامل هنرهای دستی - خطاطی - نقاشی - عکاسی - و طراحی تا تاریخ ۶۴/۱۲/۱۵ به استان می رسد میتوان از آثار رسیده نمایشگاهی بمناسبت روز معلم در سطح استان تشکیل داد که مسئولیت برگزاری آن با مسئول هنری استان خواهد بود که از همکاری مربیان عزیز نیز استفاده خواهند نمود.

لازم به تذکر است که براساس رهنمود مذکور میباید آثار منتخب تا تاریخ ۶۵/۱/۲۰ به دفتر معاونت ارسال گردد.

مسابقات قرآن - مرحله دوم.

همانطور که در بند ۹ - صفحه ۱۸ رهنمود آموزش و برگزاری چهارمین دوره مسابقات قرآن دانش آموزان سراسر کشور یادواره معلم شهید آیت الله مرتضی مطهری آمده است: برگزاری مسابقات مرحله دوم (شهرستان و منطقه) از تاریخ جمعه ۶۵/۲/۵ لغایت جمعه ۶۵/۲/۱۲ میباید که اختتام آن در روز معلم قرار داده شده که برنامه مسابقات و دعوت از سخنرانان و اجرای سرود باید متناسب با این ایام و روز شهادت استاد مطهری باشد.

ضمناً اهداء جوایز به دانش آموزان ممتاز میتواند توسط مسئولین شهرستان و

یا معلمین نمونه انجام پذیرد.

مسابقات کتابخوان - مرحله سوم

مطابق صفحه ۱۹ رهنمود برگزاری مسابقات دانش آموزی مسابقه مرحله سوم (استان) در هفته دوم اردیبهشت ماه ۶۵ اجراء میشود لذا لازمست تبلیغات و برنامه های این مسابقه در جهت بزرگداشت روز معلم روز شهادت استاد مطهری باشد که به گفته امام عزیزمان کتابهای بی استثناء همه خوب و انسانساز است.

برنامه های استثنائی

مدارس و ادارات به طریقی

متناسب و شکل تزئین شود

تشکیل نمایشگاههای کتاب -

عکس - پوستر - کارهای هنری

ارائه و نمایش تئاترهای مدارس

که در مورد معلم است به معلمین عزیز

وامت شهیدپرور

اهدای جوایز مسابقات

نهج البلاغه - مرحله استان که مطابق

بخشنامه شماره ۹۸۹۰ - مورخ

۶۴/۱۱/۹ امتحان در صبح روز جمعه

۶۵/۲/۵ برگزار میشود.

این جوایز در روز شنبه ۶۵/۲/۱۳

توزیع گردد.

در صبحگاه هر روز هفته

معلم مقداری از مطلب استاد مطهری

انتخاب گردیده و برای دانش آموزان

قرائت گردد.

کتاب «جلوه های معلمی

استاد» که بوسیله سازمان پژوهش و

برنامه ریزی آموزشی وزارت متبوع چاپ

و نشر گردیده است کتابی پر

محتواست که میتوان جهت اهداء جوایز

و متن تبلیغات و... از این کتاب

کمال استفاده را نمود.

تذکره: اسامی روزهای هفته معلم توسط ستاد بزرگداشت مقام معلم در سال گذشته به شرح زیر اعلام شده است.

جمعه ۶۵/۲/۱۲ = رسالت معلمین

شنبه ۶۵/۲/۱۳ = معلم و جنگ

یکشنبه ۶۵/۲/۱۴ = معلم و دانش آموز

دوشنبه ۶۵/۲/۱۵ = معلم و خانواده

سه شنبه ۶۵/۲/۱۶ = معلم و تربیت

چهارشنبه ۶۵/۲/۱۷ = تربیت و معلم

پنج شنبه ۶۵/۲/۱۸ = معلم و شهادت

(والسلام)

بقیه از صفحه ۵۲

الْقَصْبُ عَلَىٰ مَنْ تَمَلَّكَ لَوْمٌ ۱۳

خشم برزیردستان گرفتن پستی است.

«والسلام علیکم»

باورقی ها:

۱ - ناسخ التواریخ ج ۲ ص ۱۹۵

۲ - منتهی الامال ص ۴۰۴ و مروج الذهب

ج ۴ ص ۱۷۱

۳ - من لایحضره الفقیه ص ۲۳

۴ - بحار الانوار ج ۱۷ ص ۲۱۶

۵ - آداب تعلیم و تعلم در اسلام ص ۱۸۷ -

۱۸۶

۶ - چهل سخن ص ۲۰۷

۷ - الوافی جزء ۳ ص ۱۵۱

۸ - غرر الحکم ص ۲۶

۹ - احقاق الحق ج ۱۲ ص ۴۵۴

۱۰ - بیست گفتار شهید مطهری ص ۲۸۵

۱۱ - پیشوای دهم موسسه راه حق ص ۴۴

۱۲ - آئین زندگی موسسه راه حق

۱۳ - چهل سخن